

کاربرد اصول طراحی آموزشی در دروس هنر

محمدحسین یارمحمدیان^۱ - آناهیتا کاوه^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کاربرد اصول طراحی آموزشی در دروس هنر بوده است. به همین منظور میزان به کارگیری اصول طراحی آموزشی در چهار بعد تعیین اهداف آموزشی، محتوای آموزشی، شیوه‌های آموزشی و فنون ارزشیابی در آموزش هنر توسط معلمان آموزش و پرورش شهر اصفهان و مدرسان دانشگاه پردیس اصفهان، مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر آن ویژگیهای مطلوب طراحی آموزشی مناسب درس هنر از دیدگاه معلمان و مدرسان هنر بررسی شد.

روش پژوهش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه ۵۰ نفر از مدرسان دانشگاه هنر (پردیس) اصفهان و ۱۲۰ معلم هنر آموزش و پرورش شهر اصفهان با رشته تحصیلی هنر بوده است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری، کل جامعه آماری (مدرسان و معلمان) مورد مطالعه قرار گرفت. داده‌های مورد استفاده در پژوهش از طریق اجرای پرسشنامه

۱- استادیار برنامه‌ریزی آموزشی دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه اصفهان
۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

محقق ساخته، با ۳۴ سؤال بسته پاسخ، یک سؤال رتبه‌بندی و دو سؤال باز پاسخ فراهم گردید. سپس تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت.

نتایج آماری پژوهش نشان داد که مدرسان و معلمان هنر از اصول طراحی آموزشی در چهار بعد اصلی در تدریس بیش از سطح متوسط استفاده می‌کنند. اما به کارگیری اصول طراحی آموزشی در ابعاد چهارگانه به‌طور یکسان نبوده و بیشترین کاربرد مربوط به تعیین محتوا و کمترین کاربرد مربوط به تعیین راهبردها و روشهای آموزشی است. همچنین براساس نتایج آماری اصول طراحی آموزشی را معلمان زن بیش از معلمان مرد به کار می‌برند. علاوه بر آن معلمان دارای مدرک لیسانس بیش از معلمان دارای مدرک فوق‌لیسانس از فنون ارزشیابی استفاده می‌کنند و بین نظرات معلمان درباره کاربرد اصول طراحی آموزشی با توجه به سابقه تدریس تفاوت معنادار وجود ندارد.

همچنین مدرسان و معلمان هنر درباره طراحی آموزشی برای دروس هنر، توجه به عملی بودن و ذوقی بودن آن و تأکید در بروز خلاقیت‌ها و ابتکار هنرجویان را ضروری دانسته‌اند.

کلید واژه‌ها: طراحی آموزشی، هنر، فرایند آموزشی، سازماندهی اطلاعات تدریس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

همزمان با نهادینه شدن نقش آموزش در توسعه جوامع بشری، برای قانونمند شدن این فرایند مهم تلاشهای بسیاری می‌شود. آموزش عبارت است از «سازماندهی اطلاعات و محیط برای تسهیل یادگیری» (هینیح و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۷). بنابراین طرح‌ریزی برنامه‌های آموزشی به‌عنوان مهمترین عامل پویایی نظام و برای رسیدن به اهداف آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. در این میان آموزش هنر که با فراغت و زندگی انسانها آمیخته است و به‌عنوان یادگارهای تاریخی جامعه به حساب می‌آید، بیش از پیش نیاز به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های دقیق دارد.

امروزه هنر به‌عنوان یک عامل مهم در خلق فرآورده‌های زیباشناختی با هدف

تحریک تفکر و عواطف انسان، به صورت یک حرفه در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود، بنابراین آموزش هنر در نظام آموزش و پرورش نیز پررنگ‌تر شده است. واقعیت آن است که در کشور ما فعالیتهای هنری هنوز تعریف واضح و مشخصی پیدا نکرده و همین امر به جایگاه هنر و اهل هنر آسیب رسانده است. «تخصص صرف در یک رشته علمی یا هنری، فرد را قادر نمی‌سازد که مبانی، اصول و قوانین آن رشته را به دیگران بیاموزد. متخصص آن فن باید به شیوه‌های آموزش آشنا باشد تا بتواند هم سطح معلومات فراگیران را بالا ببرد و هم از طریق آموزش رسالت تربیتی خود را ایفا نماید» (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ص ۷).

مهمترین وظیفه معلم برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیتهای آموزشی است که در عمل، فراگیر را به سوی تغییرات مطلوب رهنمون می‌شود و در عین حال انگیزه و تحرک یادگیری را در آنان به وجود می‌آورد. بنابراین درک کافی از برنامه‌ریزی و طراحی آموزشی برای آموزش دهندگان الزامی است تا فرایند آموزش به منظور رسیدن به هدف، حساب شده و منظم انجام پذیرد (یغما، ۱۳۷۳). راه‌حل عملی برای انجام چنین فعالیتی، شناخت و تعیین مقاصد، محتوا، روشها و فعالیتهای تدریس و تعیین فنون ارزشیابی است که در این زمینه الگوهای طراحی آموزشی راه‌حل‌های مناسبی را برای رسیدن به نتایج مطلوب مشخص می‌کند (لیشن و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۱۵).

لایر معتقد است طراحی آموزشی نوعی سازماندهی، هدایت، برنامه‌ریزی، ارتباط دادن و مدیریت برای رسیدن به هدفهای آموزشی است (لایر، ۱۹۸۵، ص ۲۳۹). با توجه به نقش مؤثر هنر در نوع اندیشه و تکامل روحی انسانهای امروز لزوم حضور هنر در زمینه‌های مختلف زندگی ایجاب می‌کند که در نظام مشترک آموزشی علوم از آن استفاده شود. ولی به علت تخصصی بودن آن، نیروی انسانی کارآمد و مسلط به شیوه‌های جدید آموزشی را می‌طلبد. بنابراین دقت بیش از پیش برنامه‌ریزان در چارچوب آموزش هنر ضروری است تا علاوه بر پایه‌ریزی تسلط بیشتر بر مفاهیم هنری و تخصص، آگاهی از شیوه‌های مناسب آموزشی را نیز در جهتگیری آینده آموزش هنر سبب شود.

سؤالات پژوهش

- ۱- مدرسان هنر دانشگاه پردیس اصفهان به چه میزان از اصول طراحی آموزشی در ابعاد چهارگانه (تعیین اهداف، محتوا، روشها و فنون ارزشیابی) استفاده می‌کنند؟
 - ۲- معلمان هنر آموزش و پرورش شهر اصفهان به چه میزان از اصول طراحی آموزشی در ابعاد چهارگانه (تعیین اهداف، محتوا، روشها و فنون ارزشیابی) استفاده می‌کنند؟
 - ۳- آیا بین نظرات معلمان هنر آموزش و پرورش درباره میزان استفاده از اصول طراحی آموزشی در ابعاد چهارگانه با توجه به متغیرهای فردی (جنس، مدرک، رشته تدریس و سابقه تدریس) تفاوتی وجود دارد؟
 - ۴- آیا بین نظرات مدرسان هنر دانشگاه پردیس اصفهان درباره میزان استفاده از اصول طراحی آموزشی در ابعاد چهارگانه با توجه به متغیرهای فردی (جنس، مدرک، رشته تدریس و سابقه تدریس) تفاوتی وجود دارد؟
 - ۵- ویژگیهای مطلوب طراحی آموزشی مناسب برای درس هنر از دیدگاه مدرسان دانشگاه پردیس و معلمان هنر آموزش و پرورش شهر اصفهان چیست؟
- لازم است به منظور بررسی سابقه پژوهش، به چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده که تا حدی با پژوهش حاضر ارتباط دارد اشاره شود.

سبحانی‌نیا (۱۳۷۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نظرات مدرسان مراکز تربیت معلم استان اصفهان در رابطه با عوامل مؤثر بر بهبود فرایند یاددهی و مقایسه آن با نظریه‌های جدید تدریس» به این نتیجه رسید که عوامل مؤثر در بهبود فرایند آموزشی از نظر مدرسان عبارت‌اند از: داشتن طرح درس، آگاه کردن فراگیران از اهداف آموزشی، مرتبط ساختن اطلاعات جدید با ساختار شناختی فراگیران، هدفدار بودن فعالیتهای کلاس و ارزشیابی مستمر از پیشرفت تحصیلی فراگیران.

قائدی (۱۳۷۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه کیفیت روشهای تدریس اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم تربیتی شهر تهران» نتیجه می‌گیرد که ۵۱/۱ درصد اعضای هیأت علمی از طراحی آموزشی استفاده نمی‌کنند و ۴۳ درصد از اعضای هیأت علمی با اصول و روشهای تدریس در حد زیاد و ۵۲/۶ درصد در حد متوسط آشنایی دارند.

مجدفر (۱۳۷۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل مقاومت آموزگاران و دبیران

در برابر تنظیم و اجرای طرح درس برای تدریس دروس مختلف» عواملی نظیر عدم آگاهی دبیران، نداشتن دقت کافی، ارزش و بها ندادن مسئولان به نوشتن و اجرای طرح درس و استفاده از وسایل کمک آموزشی را در بی توجهی نسبت به تهیه طرح درس معرفی می‌کند.

عابد (۱۳۷۶) نیز در پژوهش خود با عنوان «بررسی نظرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان دبیری دانشگاه اصفهان درباره میزان استفاده از الگوهای طراحی آموزشی» بیان می‌کند که از دیدگاه دانشجویان اعضای هیأت علمی در تدریس خود معمولاً از الگوهای طراحی آموزشی استفاده نمی‌کنند.

در پژوهش دیگری که ایبا (۱۹۹۱) با عنوان «میزان به کارگیری طراحی آموزش و روش نظام‌مند آموزش» با کمک اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم تربیتی انجام داد نتیجه حاصل نشان داد که در امر آموزش از اصول طراحی آموزش استفاده نمی‌شود و علت آن نداشتن دقت کافی، نبودن پاداش برای کیفیت آموزش و نبودن بودجه کافی برای طراحی آموزشی است.

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به ماهیت آن از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شده است «در پژوهش توصیفی بدون آنکه پژوهشگر تغییری را دستکاری یا محدود نماید، آنها را همان‌طور که هست مطالعه می‌کند. یکی از انواع پژوهش‌های توصیفی، پژوهش پیمایشی است» (نادری، ۱۳۷۵، ص ۱۰).

جامعه آماری این پژوهش ۵۰ نفر از مدرسان دانشگاه پردیس اصفهان و ۱۲۰ معلم هنر آموزش و پرورش است که به علت محدود بودن جامعه آماری، کل آن مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته شامل ۳۴ سؤال بسته پاسخ براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت، یک سؤال رتبه‌بندی و دو سؤال باز پاسخ بود. ارزیابی پایایی و روایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ انجام شده که مقدار ضریب آلفا برای مدرسان ۰/۸۵ و برای معلمان ۰/۸۳ برآورد گردیده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با آزمونهای t تک متغیره، t مستقل، تحلیل واریانس یکطرفه، t^2 هتلینگ و توکی انجام شد.

یافته‌ها

جدول ۱- مقایسه میانگین نمره کاربرد اصول طراحی آموزشی از نظر مدرسان هنر

S	X	مؤلفه‌ها
۰/۲۹۶	۴/۰۳	تعیین اهداف
۰/۴۶۰	۴/۱۲	تعیین محتوا
۰/۳۴۸	۳/۶۷	تعیین روشها
۰/۴۲۰	۳/۷۵	انتخاب و اجرای فنون ارزشیابی

$$p = ۰/۰۰۰ \quad t^2 = ۴۷/۲۰ \quad F = ۱۴/۹۰$$

با توجه به اینکه F مشاهده شده در سطح $P \leq ۰/۱$ معنادار بوده، بنابراین مدرسان هنر از اصول طراحی آموزشی در دروس هنر به طور یکسان استفاده نمی‌کنند. بیشترین میزان استفاده مربوط به تعیین محتوا و کمترین میزان استفاده مربوط به تعیین روشها می‌باشد.

جدول ۲- مقایسه میانگین نمره کاربرد اصول طراحی آموزشی از نظر معلمان هنر

S	X	مؤلفه‌ها
۰/۴۷۳	۳/۸۴	تعیین اهداف
۰/۵۸۶	۳/۹۳	تعیین محتوا
۳/۶۵	۳/۵۲	تعیین روشها
۰/۴۹۸	۳/۷۰	انتخاب و اجرای فنون ارزشیابی

$$t^2 = ۶۱/۳۶ \quad F = ۲۰/۰۱ \quad P = ۰/۰۰۰$$

با توجه به اینکه F مشاهده شده در سطح $P \leq ۰/۱$ معنادار بوده، بنابراین معلمان هنر از اصول طراحی آموزشی در دروس هنر به طور یکسان استفاده نمی‌کنند. بیشترین میزان استفاده مربوط به «تعیین محتوا» و کمترین آن مربوط به «تعیین روش» است.

جدول ۳- مقایسه میانگین نمره کاربرد اصول طراحی آموزشی از نظر معلمان مرد و زن

p	t	مرد		زن		مؤلفه
		S	X	S	X	
۰/۰۰۱	۲/۶۲	۰/۶۳۵	۳/۵۲	۰/۳۶۹	۳/۹۳	تعیین اهداف
۰/۰۲۶	۲/۴۱	۰/۸۸۹	۳/۵۳	۰/۳۹۶	۴/۰۵	تعیین محتوا
۰/۶۴۲	۰/۴۶۶	۰/۳۹۹	۳/۵۵	۰/۳۵۷	۳/۵	تعیین روشها
۰/۷۸۶	۰/۲۷۳	۰/۵۰۷	۳/۶۷	۰/۴۹۹	۳/۷۱	انتخاب و اجرای فنون ارزشیابی

با توجه به اینکه t مشاهده شده در خصوص تعیین اهداف و تعیین محتوا در سطح $P \leq 0/5$ معنادار بوده بنابراین میزان کاربرد اصول تعیین اهداف و محتوا در بین معلمان مرد و زن یکسان نبوده است و معلمان زن بیشتر از معلمان مرد این اصول را به کار می‌برند.

جدول ۴- مقایسه میانگین نمره کاربرد اصول طراحی آموزشی

از نظر معلمان با توجه به مدرک تحصیلی

P	F	فوق لیسانس		لیسانس		فوق دیپلم		مؤلفه
		S	X	S	X	S	X	
۰/۸۳۷	۰/۱۷۸	۰/۳۰	۳/۷۵	۰/۶۵۲	۳/۸۳	۰/۳۱۵	۳/۸۳	تعیین اهداف
۰/۴۴۱	۰/۸۲۹	۰/۱۸۴	۴/۱۲	۰/۸۸۵	۳/۸۴	۰/۲۳۷	۳/۹۶	تعیین محتوا
۰/۲۲۳	۱/۴۸	۰/۴۸۶	۳/۳۹	۰/۲۴۱	۳/۶۰	۰/۴۱۳	۳/۴۸	تعیین روشها
۰/۰۱۶	۴/۳۸	۰/۵۴۶	۳/۲۹	۰/۳۷۳	۳/۸۴	۰/۵۳۴	۳/۶۶	انتخاب و اجرای فنون ارزشیابی

بر اساس یافته‌های جدول ۴، F مشاهده شده در خصوص انتخاب و اجرای فنون ارزشیابی در سطح $P \leq 0/5$ معنادار بوده، بنابراین میزان کاربرد فنون ارزشیابی از نظر معلمان با توجه به مدرک تحصیلی آنان متفاوت است که براساس نتایج آزمون توکی معلمان با مدرک لیسانس بیشتر از معلمان فوق‌لیسانس از این فنون استفاده می‌کنند. علاوه بر آن نتایج نشان داد که بین نظرات معلمان با توجه به سابقه تدریس آنان تفاوت وجود ندارد. مقایسه میانگین نمره کاربرد اصول طراحی آموزشی از نظر مدرسان مرد و زن نشان داد که بین کاربرد مدرسان مرد و زن تفاوت وجود ندارد.

جدول ۵. مقایسه میانگین نمره کاربرد اصول طراحی آموزشی
از نظر مدرسان با توجه به مدرک تحصیلی

P	F	دکتر		فوق لیسانس		لیسانس		فوق دیپلم		مؤلفه
		S	X	S	X	S	X	S	X	
۰/۷۳۵	۰/۴۲۴	۰/۳۱۶	۴/۱۷	۰/۳۱۱	۴/۰۴	۰/۲۸۵	۴	۰/۲۹۴	۳/۹۶	تعیین اهداف
۰/۱۵۶	۱/۸۴	۰/۳۴۱	۴/۰۵	۰/۴۷۰	۴/۱۱	۰/۴۴۷	۴	۰/۳۶۵	۴/۶۰	تعیین محتوا
۰/۰۰۶	۴/۹۷	۰/۱۷۵	۳/۹۲	۰/۲۴۳	۳/۵۷	۰/۴۱۲	۳/۵۸	۰/۳۲۴	۳/۲۱	تعیین روشها
۰/۱۰۷	۲/۱۸	۰/۲۳۶	۴/۰۹	۰/۴۰۰	۳/۶۵	۰/۳۵۹	۳/۷۰	۰/۲۹۷	۴/۰۶	انتخاب و اجرای فنون ارزشیابی

بر اساس یافته‌های جدول ۵، F مشاهده شده در خصوص تعیین راهبردها و روشهای مطلوب تدریس در سطح $P \leq 0/1$ معنادار بوده است. بنابراین بین میزان به‌کارگیری تعیین راهبردها و روشهای مطلوب تدریس با توجه به مدرک تحصیلی مدرسان تفاوت وجود دارد. براساس یافته‌ها، مقایسه میانگین نمره کاربرد اصول طراحی آموزشی از نظر مدرسان با توجه به سابقه تدریس نشان داد که بین نظرات مدرسان تفاوت وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

نتیجه پژوهش نشان داد که کل نمونه آماری میزان استفاده مدرسان و معلمان هنر از اصول طراحی آموزشی در چهار بعد اصلی (تعیین اهداف، محتوا، شیوه‌های آموزشی و انتخاب فنون ارزشیابی، در تدریس را، بیش از سطح متوسط تأیید کردند. نتایج آزمون آماری هتلینگ نشان داد مدرسان و معلمان هنر از اصول طراحی آموزشی در دروس هنر به طور یکسان استفاده نمی‌کنند. بیشترین کاربرد مربوط به تعیین محتوا و کمترین کاربرد مربوط به تعیین راهبردها و روشها می‌باشد.

مقایسه میزان کاربرد اصول طراحی آموزشی از نظر معلمان مرد و زن نشان داد که میزان کاربرد اصول تعیین اهداف و محتوا در بین معلمان مرد و زن یکسان نبوده و معلمان زن بیش از معلمان مرد این اصول را به کار برده‌اند.

مقایسه نظرات معلمان با توجه به مدرک تحصیلی آنان نشان داد که بین میزان کاربرد اصول و فنون ارزشیابی از نظر معلمان با توجه به مدرک تحصیلی آنان تفاوت وجود دارد. معلمان دارای مدرک لیسانس بیش از معلمان دارای مدرک فوق‌لیسانس از فنون ارزشیابی استفاده می‌کنند.

مقایسه نظرات معلمان با توجه به سابقه خدمت آنان نشان داد که بین نظرات آنان تفاوت وجود ندارد. مقایسه میزان کاربرد اصول طراحی آموزشی از نظر مدرسان مرد و زن نشان داد که بین میزان کاربرد اصول طراحی آموزشی تفاوت وجود ندارد. مقایسه میزان کاربرد اصول طراحی و آموزشی از نظر مدرسان با توجه به مدرک تحصیلی نشان داد که بین میزان به‌کارگیری تعیین روشها و راهبردها با توجه به مدرک تحصیلی تفاوت وجود دارد. لیکن مقایسه نظرات مدرسان با توجه به سابقه خدمت آنان نشان داد که بین نظرات آنان تفاوت وجود ندارد.

نتایج تحلیل سؤالات اساسی پژوهش درباره میزان استفاده معلمان و مدرسان هنر از اصول طراحی آموزشی نشان داد که میزان کاربرد اصول طراحی آموزشی در بعد تعیین اهداف آموزشی، بیشتر از سطح متوسط می‌باشد که این نتیجه با پژوهش سبحانی‌نیا (۱۳۷۲)، عابد (۱۳۷۶) و کریمیان (۱۳۷۹) همسو و با پژوهش ایبا (۱۹۹۱) و قائدی (۱۳۷۳) همسو نمی‌باشد.

میزان کاربرد در بعد تعیین محتوای آموزشی نیز بیشتر از سطح متوسط است، که این نتیجه با نتایج پژوهش سبحانی نیا (۱۳۷۲) و عابد (۱۳۷۶) همسو و با نتایج پژوهش اییا (۱۹۹۱) و مجدفر (۱۳۷۳) همسو نمی‌باشد. همچنین میزان کاربرد اصول، در بعد تعیین راهبردها و روشها در بین دو گروه معلمان و مدرسان هنر، بیش از سطح متوسط می‌باشد که این نتیجه با پژوهش عزیزی (۱۳۷۳) و کریمیان (۱۳۷۹) همسو بوده است. تحلیل یافته‌ها مربوط به میزان به‌کارگیری، انتخاب و اجرای فنون ارزشیابی نشان داد که هر دو گروه مدرسان و معلمان هنر بیش از سطح متوسط از انتخاب و اجرای فنون ارزشیابی در طراحی آموزشی استفاده می‌کنند که این نتیجه با پژوهش سبحانی نیا (۱۳۷۲) همسو می‌باشد.

بررسی نظرات مدرسان و معلمان هنر دربارهٔ ویژگیهای مطلوب طراحی آموزشی مناسب برای دروس هنر نشان داد که مدرسان و معلمان، رشتهٔ هنر را یک رشتهٔ کاملاً عملی و ذوقی دانسته و چهارچوب اصول طراحی آموزشی را برای آموزش هنر دست و پاگیر می‌دانند. آنان معتقدند که هنر بستگی به ذوق و استعداد فراگیر دارد، اگر چه در شروع آموزش هنر می‌توان از روشهای قانونمند و اصول آموزش بهره برد، ولی در ارائهٔ آموزش آزاد گذاشتن فراگیر در مورد تسلط او بر هنر الزامی و ضروری است. تأکید مدرسان و معلمان هنر بر آن بود که ابتکار و خلاقیت اساس شکوفایی هنر است و در نظر گرفتن تواناییها و استعدادهای فراگیران مهمترین بخش آموزش است.

همچنین نتایج حاکی از آن است که اگر چه هر دو گروه معلمان و مدرسان هنر در عمل از اصول طراحی استفاده می‌کنند، اما با نظریه‌ها و محتوای علمی این اصول آشنایی نداشتند و حتی مدرسان در خصوص فراگیری این اصول هیچ رغبتی نشان نمی‌دادند. همچنین تمایلی به شرکت در دوره‌های آموزشی «طراحی آموزشی» نداشتند و رعایت قواعد و اصول طراحی آموزشی را در امر آموزش هنر لازم و ضروری نمی‌دانستند. با این حال معلمان هنر شاید به دلیل اغلب فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم بوده و به نوعی دوره‌های آموزش ضمن خدمت را گذرانده بودند، با محتوا و نظریه‌های طراحی آموزشی آشناتر بودند و حتی آموزش دربارهٔ شناخت بیشتر طراحی آموزشی و اصول آن را لازم و ضروری می‌دانستند.

منابع

- سبحانی‌نیا، محمدحسین. (۱۳۷۲)، «بررسی نظرات مدرسان، مراکز تربیت معلم استان اصفهان در رابطه با عوامل مؤثر در بهبود فرایند یاددهی و مقایسه آن با تئوریهای جدید تدریس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۴)، رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، سمت.
- عابد، محمد. (۱۳۷۶)، «بررسی نظرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان دبیری دانشگاه اصفهان درباره میزان استفاده از طراحی آموزشی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- عزیزی علویجه، حسن. (۱۳۷۳)، «تجزیه و تحلیل چگونگی تدریس اساتید دروس برنامه‌ریزی آموزشی»، دانشگاه‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- قائدی، یدالله. (۱۳۷۳)، «بررسی و مقایسه کیفیت روشهای تدریس اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم تربیتی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- کریمیان، مینا. (۱۳۷۹)، «بررسی میزان به کارگیری تکنولوژی آموزشی در برنامه‌های آموزشی تربیت دبیر از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان تربیت دبیر دانشگاه‌های استان اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- لیشین و همکاران، (۱۳۷۴)، راهبردها و فنون طراحی آموزشی، ترجمه هاشم فردانش، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، سمت.
- مجدفرد، مرتضی. (۱۳۷۳)، طرح درس نرم‌افزاری مناسب در تکنولوژی آموزشی، تهران، فرزندگان.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نراقی، (۱۳۷۳)، روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم، تهران، انتشارات بدر.
- یغما، پروین. (۱۳۷۳)، «شناخت موانع رشد علمی اساتید دانشگاه از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

ABAYA, M.F. (1991). Instructional design and the systems approach: adoption by faculty in colleges of education. Unpublished doctoral dissertation, Toledo university.

HINICH, R. (1999). Instructional media and Tecchnology. New York: Rinehrd and winston.

LAUER, K.A. (1985). Design basics. (Znded) New York: Rinehrd and Winston.

وصول: ۸۳/۱۶/۶

پذیرش: ۸۴/۵/۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی